



«الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی» منتشر شد

کتاب «الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی» تألیف پگاه خدیش و فریده داوودی مقدم به همت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) منتشر شد.

کتاب «الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی» تألیف پگاه خدیش و فریده داوودی مقدم به همت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی» برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات روایی به عنوان منبع اصلی «الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی» در مقطع کارشناسی ارشد به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

فهرست مطالب این اثر عبارت است از:

پیشگفتار

فصل اول: کلیات

الف) افسانه‌ها

ب) اسطوره‌ها

ج) روایت

فصل دوم: الگوهای ساختاری افسانه‌ها

فصل سوم: الگوهای روایی اسطوره‌های ایرانی

در پیشگفتار این اثر در معرفی آن آمده است: کتابی که اینک در دست دارید با هدف ارائه مأخذی کلی و البته کوتاه، درباره الگوهای روایی افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی نگاشته شده است. نگارش این اثر نیازمند آگاهی فراوان و دانش گسترده‌ای در علم روایت، افسانه‌ها و قصه‌های شفاهی و همچنین اسطوره‌های ایرانی است که هر کدام به تنهایی جهانی هستند. نزدیک به دو سال برای مطالعه و پژوهش در منابع مربوط و گردآوری مطالب و دسته‌بندی آن‌ها سپری شد. در مراحل نهایی، با برداشتی کلی از هر سه موضوع اساسی مطرح در کتاب، به تدوین و تألیف پرداختیم و شکل پایانی کار هم اکنون پیش روی شماست. با این حال، هنوز بسیاری ناگفته‌ها و نانوشته‌ها وجود دارد که نیازمند روزگاری دیگر و مجالی فراخ‌تر است.

از آنجا که این کتاب، کتابی درسی است، دو اصل کلی را در تألیف آن لحاظ کردیم: نخست کوشیدیم با زبانی ساده و روشن، به دور از پیچیدگی و ادب زدگی مطالب را بیان کنیم، به ویژه در بخشی که به معرفی دانش روایت اختصاص دارد. بسیاری از منابع روایت‌شناسی موجود فارسی، ترجمه‌هایی دیرپه و سنگین از زبان‌های اروپایی‌اند. گاه کاملاً آشکار است که مترجم سخن نویسنده را به شکلی به فارسی برگردانده بی آنکه به درستی معنای آن را دریافته باشد و به همین دلیل خوانندگان آن متن ناگزیرند بارها جمله‌ای و پاراگرافی را بخوانند به امید اینکه شاید یک مفهوم درست منطقی از آن به دست آورند، و افسوس! اصل دوم بر کوتاهی و اختصار نهاده شد، باز هم از آن رو که کتاب‌های بسیاری در دهه گذشته در موضوع روایت و روایت‌شناسی به فارسی ترجمه و مقالات فراوانی نیز در این باره تألیف شده است. تکرار مطالب آن آثار در این کتاب، منطقی نبود و تنها تحمیل صفحات بیشتری بر کتاب بود و البته هزینه سنگین‌تری بر جیب خواننده.

دانشجویان و پژوهشگران ارجمند توجه داشته باشند که برخی از آنچه در دو قرن اخیر در شناخت روایت و انواع و ویژگی‌های آن در جهان ارائه شده و در باب آن‌ها نظریه پردازی کرده‌اند، امروزه در بحث‌های علمی و نقادانه بین‌المللی نقش

چندانی ندارند و بیشتر در درس های تاریخ ادبیات به آن ها اشاره می شود. روایت شناسی را به سه دوره تاریخی تقسیم کرده اند: پیش از ساختارگرایی (تا ۱۹۶۰ میلادی)، ساختارگرایی (از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰) و پس‌ساختارگرایی. نظریه هایی که در دوره نخست و حتی دوره دوم بسیار مطرح بودند، در نقد ادبی امروز چندان کاربرد ندارند و تنها در مواردی خاص و با اصلاحات فراوان به کار می روند، مثل فرمالیسم روسی، یا ریخت شناسی پراپ. البته این نظریه ها در شکل گیری و نظم بخشیدن به مکاتب و آراء پس از خود و پردازش ایده های جدید تأثیر فراوان داشته اند. با این حال، این مباحث با تأخیری طولانی، در فضای ادبی و انتقادی ایران امروز بسیار زنده و پرترف دارند و بخش بزرگی از صفحات مجلات علمی را به خود اختصاص می دهند.

درباره تجزیه و تحلیل و استخراج الگوهای افسانه ها و قصه های شفاهی نیز ذکر چند نکته ضروری است: نخست اینکه در گزینش افسانه ها در این کتاب، تنها به مواردی استناد شده که در محدوده ایران امروز، به زبان فارسی یا لهجه های نزدیک به فارسی، نقل شده و می شوند. در این راستا، مطابق با شیوه کار قصه شناس برجسته آلمانی، اولریش مارزلف، در کتاب ارزشمند طبقه بندی قصه های ایرانی، افسانه های اقوام گوناگون ساکن در سرزمین ایران، که به زبانی غیر از فارسی سخن می گویند و قصه تعریف می کنند، در نوشتن کتاب حاضر لحاظ نشده است. دلیل این کار، نه اعتقاد مؤلفان به برتری ادبی و فنی زبان فارسی بر سایر زبان های رایج در ایران است، نه به دلایل واهی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی؛ که هیچ کدام در برابر نیروی سرشار و نبض پرتوان ادب شفاهی به پیشیزی نمی ارزند. تنها از آن رو افسانه های فارسی را انتخاب کردیم که فارسی، زبان رسمی و رایج ایران است و کرد، ترک، عرب و بلوچ، هنگام برقراری ارتباط با ایرانیانی که هم زبانشان نیستند، به راحتی به فارسی می گویند و می شنوند؛ ولی برای نقل افسانه به هر کدام از این زبان ها، آوردن ترجمه فارسی آن قصه نیز ضروری می بود و در ترجمه، همیشه اصل روایت دگرگون می شود و گاه از میان می رود. به یقین بسیاری از هم وطنان غیر فارسی زبان ایرانی، افسانه های تحلیل شده در این کتاب را کاملاً آشنا خواهند یافت و نمونه های همانند آن ها را در زبان مادری خویش به یاد خواهند آورد.

نکته دوم اینکه الگوهای روایی افسانه های بلند، خود ترکیبی است از ریزالگوهای متنوع و گاه متفاوت که به شیوه های گوناگون در هم آمیخته اند. ازین رو شناخت الگوهای روایی پایه را به افسانه های کوتاه محدود کردیم که گاه خود سازنده افسانه های طولانی اند. افسانه های بلندی همچون داراب نامه، فیروزشاه نامه، سمک عیار، و داستان های جامع الحکایات مبنای کار نبوده اند و بیشتر از مجموعه هایی از قصه های شفاهی که در قرن حاضر گردآوری و منتشر شده اند استفاده شده است.

کتاب «الگوهای روایی افسانه ها و اسطوره های ایرانی» تألیف پگاه خدیش عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و فریده داوودی مقدم عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد به همت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) به بهای ۱۸ هزار تومان منتشر شد.